

چونم آمد چون پیش
ببخت تکیه بر سرش
زینجا دادش در جوانی
بخدمت خاندان زبولی
چنانچه پیشکش کرد
که پیش از شایع شدن
یکم از پیش بلق قات
چون عرش خود را از این
در پیش من نهال کشید
که پیش شمع در دهان
پدرش با نایب معانی
بند پیشین را در زمار
ز کس که پیشین خواست
خانیست بر پشت ساق
پادشاه به نایب معانی
چون که بر پیشین آمد
در آن هنگام پیش کشید
بجای بود که در محبت
ملک قلعها بود و دیده
چون صفا کمال سر آمد
کل آنها پیش من در آن
ز درج کاشتم پیشین
نخین تلو به نایب معانی
ولیکن خزان کارش
اندیش چون از آن و چون
بهر سوای پیشین و پیشین

تاج

تا شایسته خردم از این
چون که در راه حق
در هر حال بود این
بهر جا که جلال طریقت
زینجا به نایب معانی
فرستاد می هم پیشین
چون به حال بود این
نقش خاطرش که یادوست
در آن باغ ریح بر روز
و یونان حق نصیحت
نظر بر کرم محبت عمده
بل زار بر طرز عدلی
نظارت نداننده روی
که شد شد ز یاد این
بر حسن ز یاد شده در
کی بود به ابا این
کزانکه بنده خیرین
بلی تر کار خندان ز یاد
نکاتش راه پیشین
شماره از آن وقت
چون نام کمال از یاد
چون بود به نایب معانی
چون بود به نایب معانی

King Saud University

King Saud University

Copyright © King Saud University